

بسم الله الرحمن الرحيم

و الحمد لله رب العالمين

و صلى الله على محمد و آله الطاهرين

عنوان

مقاله حکم شرعی نماز از حیث قصر و تمام در ملک دور از وطن^۱

نویسنده

حسین علی پور^۲

چکیده

نماز مسافر از جمله مباحث فقهی مهم است که یکی از مسائل فرعی آن این بحث است که شخصی که به مسافرت رفته و به ملک خود در جایی غیر از وطنش رسیده حکم نمازهای وی از جهت قصر و تمام چیست؟ در این میان روایاتی وجود دارد که دلالت دارد نماز این شخص در ملکش تمام است و در مقابل روایات بسیاری است که با این روایات تعارض دارند، از آنجا که این مساله جزء مسائل پرکاربرد برای افرادی است که دارای ملکی در شهر دیگر هستند یا کشاورز هستند و زمین در نقاط دورتری دارند لازم است حکم شرعی این مساله روشن شود. این پژوهش به روش اجتهاد دانش دینی انجام شده است که بدین منظور پژوهشگران به فحص از

^۱ این پژوهش از درس خارج فقه استاد محمدرضا صادر در سال تحصیلی ۱۴۰۴-۱۵ اقتباس شده است.

^۲ استاد سطوح حوزه علمیه قم، دانش پژوه موسسه تخصصی فقه و اصول امام رضا علیه السلام قم.

ادله مساله در منابع اسلامی پرداختند و بعد با روش اجتهادی به تجزیه و تحلیل این ادله پرداختند. یافته‌های این پژوهش گواه این مطلب است که هر چند روایات باب ملک از نظر سندی و دلالتی مشکلی ندارند ولی مبتلای به معارض می‌باشند.

کلمات کلیدی

حکم شرعی، نماز قصر، نماز تمام، ملک.

چکیده لاتین

Abstract

The traveler's prayer is one of the important jurisprudential issues, one of the sub-issues of which is the discussion of what is the ruling on the prayers of a person who has traveled and arrived at his property in a place other than his homeland in terms of qasr and tama'. Among them, there are narrations that indicate that this person's prayer is complete in his property, and on the other hand, there are many narrations that conflict with these narrations. Since this issue is one of the most frequently used issues for people who own property in another city or are farmers and have land in more distant places, it is necessary to clarify the Sharia ruling on this issue. This research was conducted using the method of ijtiḥād of religious knowledge, for which purpose the researchers examined the evidence of the issue in Islamic sources and then analyzed this evidence using the ijtiḥād method. The findings of this research prove that although the narrations on the subject of property do not have any problems in terms of chain of transmission and evidence, they are subject to contradictions.

Keywords

Shariah ruling, qasr prayer, tama' prayer, property.

مقدمه

یکی از موضوعات مهم و پرکاربرد در حوزه مباحث فقهی، نماز مسافر است که از جمله فروعات بحث برانگیز آن این مساله است که آیا شخصی که مسافت شرعی را که هشت فرسخ است (صاحب جواهر، ۱۴۲۱ ق) طی کرده و به ملک شخصی خود رسیده که وطن او هم نیست، آیا این شخص در چنین ملکی باید نمازهای فریضه‌ی چهار رکعتی را تمام بخواند یا اینکه خواندن نماز شکسته به عهده اوست؟

شاید این مطلب جای شبهه نداشته باشد که اگر مکلف در وطنش نباشد و جایی رفته باشد که کمتر از ده روز قصد اقامت داشته باشد غیر از امکان‌های اربعه باید نمازهای چهار رکعتی را قصر بخواند، اما همین جا روایاتی وجود دارد که تعداد آنها هم کم نیست دلالت دارند که اگر کسی از وطنش سفر کند و به جایی برسد که ملکی داشته باشد نمازش در ملکش تمام است، از طرفی این مساله بسیار مبتلی به است خصوصاً برای کسانی که زمین کشاورزی یا ملکی در شهر دیگری دارند، بنابراین ضرورت دارد که این مساله مورد بررسی قرار گیرد.

در زمینه نماز مسافر پژوهش‌های بسیار انجام شده است از جمله بخشی‌نژاد و سبزواری (۱۴۰۲) در مقاله‌ای با عنوان «ضابطه زمانی یا مکانی قصر نماز مسافر از دیدگاه صاحب جواهر (ره)» به بیان ادله صاحب جواهر (ره) بر یکی بودن دو ضابطه زمانی و مکانی می‌پردازد. زاهدی و فاکر میبیدی (۱۴۰۱) در مقاله‌ای با عنوان «تحلیل تطبیقی نماز مسافر از منظر اخباریون و قرآنیون» به بررسی اشتراکات و اختلافات درباره برداشت از تنها آیه‌ی نازل شده درباره نماز مسافر یعنی آیه ۱۰۱ سوره نساء از منظر علمای اخباری و قرآنی‌های اهل سنت می‌پردازند.

بهمن‌پور و زکی‌خانی (۱۴۰۰) در مقاله‌ای با عنوان «واکاوی فقهی نماز مسافر» تحلیل جامعی بر ادله فقهی و آراء فقها درباره وجوب قصر نماز در سفر دارند. عابدی اردکانی (۱۳۹۷) در مقاله‌ای با عنوان «نماز و روزه کثیر السفر با سرعت غیر متعارف» به بررسی روایات «الجد فی السیر» و ادعای اعراض اصحاب از آنها پرداخته است. در پژوهش اول به بررسی ضابطه قصر نماز پرداخته شده و در پژوهش دوم به تحلیل آیه‌ای که مربوط به نماز قصر است پرداخته شده است و در پژوهش سوم ادله وجوب قصر نماز در سفر را بررسی کرده است و در پژوهش چهارم به بررسی روایات الجد فی السفر پرداخته است ولی در هیچ کدام از این پژوهش‌ها به بررسی حکم نماز مسافری که به ملک خودش رسیده و آن ملک وطن او هم نیست نپرداخته است. با توجه به اهمیت این مساله و پرکاربرد بودن آن خصوصا در زندگی افرادی که ملکی یا زمینی کشاورزی در جای دیگر دارند در این پژوهش به بررسی حکم فقهی آن پرداخته خواهد شد.

این پژوهش با روش اجتهادی به بررسی حکم شرعی نماز کسی می‌پردازد که از وطن شرعی‌اش خارج شده و بیش از مسافت شرعی که هشت فرسخ است دور شده و سپس به ملک یا زمین خودش وارد شده در حالی که قصد وطن در آنجا را ندارد. در این پژوهش بعد از بررسی ادله موجود در مساله و بررسی سند و دلالت آنها به بررسی ادله معارض آنها پرداخته شده است و در نهایت حکم شرعی نماز از حیث قصر و تمام در ملک دور از وطن بیان شده است.

نتایج (یافته‌ها)

برای تحصیل حکم شرعی نماز کسی که دور از وطنش، ملکی دارد به بررسی ادله موجود در مساله پرداخته شود. درباره این مساله چندین روایت موجود است که پژوهشگر باید به بررسی این روایات بپردازد.

اول. روایت اسماعیل بن فضل

متن روایت به شرح ذیل است: «بِإِسْنَادِهِ عَنْ إِسْمَاعِيلَ بْنِ الْفَضْلِ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَنِ الرَّجُلِ يُسَافِرُ مِنْ أَرْضٍ إِلَى أَرْضٍ وَإِنَّمَا يَنْزِلُ قُرَاهُ وَضَيْعَتَهُ قَالَ إِذَا نَزَلْتَ قُرَاكَ وَارْضَكَ فَأَتِمَّ الصَّلَاةَ وَإِذَا كُنْتَ فِي غَيْرِ أَرْضِكَ فَقَصِّرْ» (شیخ حر عاملی، ۱۴۰۹ق). مرحوم شیخ صدوق از اسماعیل بن فضل روایت کرده که ایشان گفت از امام صادق علیه السلام درباره مردی که از زمینی به زمین دیگری مسافرت میکند و به قریه و زمینش فرود می‌آید. حضرت فرمود وقتی رسیدی به قریه‌هایت و زمینت پس نماز را تمام بخوان و اگر در غیر زمینت بودی پس نمازت را شکسته بخوان.

ابتدا به بررسی سندی روایت پرداخته می‌شود.

مراد ایشان از «باسناده» کتاب «من لا یحضره الفقیه» است که شیخ صدوق برای این روایت یک طریق عمومی و یک طریق اختصاصی به رساله حقوق امام سجاد (ع) آورده (ابن بابویه، ۱۴۱۳ق) که البته بعضی به طریق اختصاصی اشکال کردند ولی طریق عمومی مشکلی ندارد طریق عمومی این است: «و ما کان فیه عن إسماعیل بن الفضل فقد رویته عن جعفر بن محمد بن مسرور - رضی الله عنه - عن الحسین بن محمد بن عامر، عن عمه عبد الله بن عامر، عن محمد بن أبي عمير، عن عبد الرحمن بن محمد، عن الفضل بن إسماعیل بن الفضل، عن أبيه إسماعیل ابن الفضل الهاشمی» (همان). در مورد اسماعیل بن الفضل، به وثاقت ایشان بسیاری از علمای اهل رجال از جمله مرحوم نجاشی تصریح دارند (نجاشی، ۱۳۶۵). محقق خوئی در مورد وثاقت جعفر بن مسرور قائل است دلالتی بر وثاقت ایشان وجود ندارد (خوئی، ۱۳۷۲) ولی از آنجا که اگر این مبنا را بپذیریم که کسی از مشایخ شیخ صدوق باشد به شرط اینکه شیخ صدوق بسیار زیاد از ایشان نقل روایت کرده باشد در این صورت اطمینان به توثیق وی حاصل می‌شود، در اینجا هم چون جعفر بن محمد بن مسرور از مشایخ شیخ صدوق است و جناب

شیخ روایات زیادی از ایشان نقل کرده است پس به توثیق ایشان اطمینان حاصل می‌شود، راه دوم اثبات وثاقت ایشان این است که ایشان همان جعفر بن محمد بن قولویه است (شیری زنجانی، ۱۳۸۳). بقیه افراد موجود در سند هم ثقه هستند که در کتب مهم رجالی به وثاقت ایشان تصریح شده است. بنابراین سند این روایت مشکلی ندارد.

اما از نظر دلالتی در این روایت اصلاً اسمی از وطن نیآورده است، بلکه تعبیر به قریه و ضیعه کرده که اینها هم موضوعیتی ندارد از باب مثال است که الغای خصوصیت نسبت به آنها می‌شود، مطلب دیگر اینکه ظهور اولیه در «قراه و ضیعه»، ملکیت است اگر شک شود که اعم از ملک و استیجاری است قدر متیقن که ملک است اخذ می‌شود. بنابراین این روایت دلالت دارد که نماز در ملک تمام است.

دوم. روایت عمار بن موسی

متن روایت به شرح ذیل است: «وَبِإِسْنَادِهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ فَضَّالٍ عَنْ عَمْرِو بْنِ سَعِيدٍ عَنْ مُصَدِّقِ بْنِ صَدَقَةَ عَنْ ابْنِ مُوسَى عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع فِي الرَّجُلِ يَخْرُجُ فِي سَفَرٍ فَيَمُرُ بِقَرْيَةٍ لَهُ أَوْ دَارٍ فَيَنْزِلُ فِيهَا قَالَ يَتِمُّ الصَّلَاةُ وَلَوْ لَمْ يَكُنْ لَهُ إِلَّا نَخْلَةٌ وَاحِدَةٌ وَلَا يَقْصُرُ وَلْيَصُمْ إِذَا حَضَرَهُ الصَّوْمُ وَهُوَ فِيهَا» (شیخ حر عاملی، ۱۴۰۹ق).

از نظر سندی روات این روایت همه ثقه می‌باشند فقط در طریقی از طرق شیخ که در آن احمد بن محمد بن یحیی قرار دارد اشکال وجود دارد. شیخ طوسی سه طریق برای ایشان نقل می‌کند (طوسی، ۱۴۲۰ق) که طریق اول را محقق خوئی ضعیف می‌دانند (خوئی، ۱۳۷۲) اما دو طریق دیگر مشکلی ندارند. بنابراین این روایت با کمک دو طریق دیگر از نظر سندی مشکلی ندارد.

از نظر دلالتی این روایت به مطلب دلالت دارد که برای اینکه نماز تمام باشد و روزه هم واجب، یک ملکی و لو یک درخت خرما داشته باشد و لو زمین هم از خودش نباشد. به علاوه از ظاهر این روایات مستفاده است که باید ملک غیر منقول داشته باشد، نکته آخر هم اینکه درباره مراد این روایت دو احتمال وجود دارد: اول اینکه مراد این باشد که اگر و لو یک نخل هم در شهری داشته باشد در کل آن شهر یا روستا نماز تمام است؛ دوم اینکه فقط در ملک خودش یا زمین خودش نماز تمام است لذا کمی آن طرف‌تر برود مثلاً به ملک همسایه برود نمازش قصر است. این احتمال قائل دارد، به عبارت دیگر بعضی از فقها ملک را از وطن جدا کردند و فتوا دادند که اگر مکلفی وارد ملکش شد نمازش کامل است و در غیر ملکش از جاهای دیگر قریه شکسته است. ابن جنید از جمله کسانی است که چنین نظری دارد (ابن جنید اسکافی، ۱۴۱۶ق).

سوم. روایت عمران بن محمد

متن روایت به قرار ذیل می‌باشد: «وَعَنْهُ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنْ عِمْرَانَ بْنِ مُحَمَّدٍ قَالَ قُلْتُ لِأَبِي جَعْفَرٍ الثَّانِي ع جُعِلَتْ فِدَاكَ إِنْ لِي ضِيعَةً عَلَى خَمْسَةِ عَشَرَ مِئَلًا خَمْسَةَ فَرَسَخٍ قَرِيبًا خَرَجْتُ إِلَيْهَا فَأَقِيمُ فِيهَا ثَلَاثَةَ أَيَّامٍ أَوْ خَمْسَةَ أَيَّامٍ أَوْ سَبْعَةَ أَيَّامٍ فَاتِمُّ الصَّلَاةَ أَمْ أَقْصِرُ فَقَالَ قَصِّرْ فِي الطَّرِيقِ وَاتِمِّ فِي الضِّيعَةِ» (شیخ حر عاملی، ۱۴۰۹).

از نظر سندی با توجه به روایت قبلی مراد از «باسناده» محمد بن علی بن الحسین است، و مراد از «عنه» محمد بن علی بن محبوب است، عمران بن محمد ثقه است، ابن محبوب هم که ثقه است معمولاً از محمد بن عیسی یقطینی نقل روایت می‌کند بنابراین در اینجا مراد محمد بن عیسی بن عبدالله نیست، شیخ طوسی ایشان را ضعیف می‌داند ولی آیت الله شبیری وثاقت ایشان را از مسلمات می‌داند، بخاطر اینکه ایشان قائل است تضعیف شیخ طوسی ناشی از تضعیف ابن ولید است و این تضعیف قابل قبول نیست (شبیری، ۱۳۸۳). محقق خوئی، احمد بن محمد بن یحیی العطار را ثقه نمی‌داند، لذا به طریق شیخ طوسی به محمد بن علی بن محبوب اشکال کرده است

(خوئی، ۱۳۷۲)، آیت الله وحید خراسانی ایشان را ثقه می‌داند. مرحوم جزایری (۱۴۱۵ق) بخاطر کثرت نقل شیخ صدوق از ایشان و اینکه ایشان از مشایخ شیخ صدوق است و اعتماد علامه حلی و سیرافی به ایشان قائل به وثاقت ایشان شده است هر چند که بعضی از این ادله را هم اشکال کرده است. البته راه دیگری هم برای اثبات وثاقت احمد بن محمد بن یحیی العطار است و آن اینکه در کتاب فهرست، سه طریق به ابن محبوب مطرح شده است که در طریق اول احمد بن محمد از ابن ابی جید نقل می‌کند و ابن ابی جید هم که استاد مرحوم نجاشی است و محقق خوئی هم تمام اساتید مرحوم نجاشی را ثقه می‌دانند چون خود ایشان به وثاقت اساتیدش شهادت داده و شهادت ایشان هم عن حسن است. بنابراین این روایت هم از نظر سندی مشکلی ندارد.

از نظر دلالتی باید توجه داشت که هر سه میل یک فرسخ است، لذا اینجا می‌گوید ۱۵ میل رفتم که ۵ فرسخ است و پنج فرسخ هم برگشت است بنابراین مسافت شرعی را طی کرده است. «ضیعه» به معنای زمین کشاورزی است که در اینجا الغای خصوصیت می‌شود، چون روایت داشتیم که حتی یک نخله هم داشته باشد نمازش را باید تمام بخواند.

چهارم. روایت احمد بن محمد بن ابی نصر

متن روایت به قرار ذیل می‌باشد: «مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ وَغَيْرِهِ عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ أَبِي نَصْرٍ قَالَ سَأَلْتُ الرُّضَاعَ عَنِ الرَّجُلِ يَخْرُجُ إِلَى ضَيْعَتِهِ وَيَقِيمُ الْيَوْمَ وَالْيَوْمَيْنِ وَالثَّلَاثَةَ أَوْ يَقْصُرُ أَمْ يُتِمُّ قَالَ يُتِمُّ الصَّلَاةَ كُلَّمَا أَتَى ضَيْعَةً مِنْ ضَيْعَائِهِ» (شیخ حر عاملی، ۱۴۰۹ق).

از نظر سندی عبارت «و غیره» که در روایت آمده نه تنها ضرر ندارد بلکه سند روایت را تقویت هم می‌کند، می‌فرماید هم محمد بن الحسن برای مرحوم کلینی نقل کرده و هم دیگران نقل کردند. در وثاقت احمد بن محمد بن ابی نصر بحثی نیست، وجوه وثاقت ایشان بسیار است. محقق خوئی «سهل بن زیاد» را ثقه نمی‌داند (خوئی،

(۱۳۷۲) ایشان را ثقه نمی‌داند آیت الله شبیری و مرحوم مامقانی (۱۳۸۱) ایشان را ثقه می‌دانند. آیت الله شبیری (۱۳۸۳) قائل است مرحوم کلینی زیاد از ایشان نقل روایت دارد، مطالب شیخ طوسی هم در مورد ایشان مختلف است، یک جا فرموده ضعیف است ولی در کتاب رجالش فرموده ثقه است، محقق خوئی قائل است که علت تضعیفش هم این است که مطالب غلوآمیز بر زبان می‌آورده است. نجاشی هم تضعیفش کرده است غالب رجالیان تضعیفش کردند فقط شیخ آن هم یک جا توثیقش کرد و جای دیگر تضعیف کرده است، محقق خوئی قائل است که این دو دلیل با هم تعارض کرده و ساقط می‌شوند. این اشکال به محقق خوئی است که این همه روایت که مرحوم کلینی نقل کرده دلیل بر این است که تضعیفات جنبه دیگری داشته است و آن همان جنبه غلوش باشد، اینکه بعضی گفتند احمق بوده با این نمی‌سازد که مرحوم کلینی این همه روایت از ایشان نقل کرده است، معنا ندارد که مرحوم کلینی در ابتدای کتابش شهادت دهد به نقل روایت از راویان خوب بعد بیاید از یک احمق این همه روایت نقل کند! به نظر می‌رسد فرمایش آیت الله شبیری صحیح باشد، چطور است از یک فرد ضعیف مرحوم کلینی ۱۹۰۰ روایت نقل کند!! بنابراین وثاقت سهل بن زیاد مشکلی ندارد. محمد بن الحسن اگر صفار باشد سند دیگر مشکلی ندارد، محقق بروجردی (۱۴۲۶ق) در تبیان الصلاه قائل است که ایشان در این سند صفار نیست بلکه محمد بن الحسن الطائی الرازی است، اصلاً تمام مواردی که مرحوم کلینی به طور مطلق محمد بن الحسن آورده است مراد ایشان است که دومین استاد پر روایت مرحوم کلینی است، به هر حال صفار باشد یا رازی فرقی ندارد هر دو ثقه هستند. بنابراین این روایت مشکل سندی ندارد.

از نظر دلالتی حضرت قاعده فرموده است اینکه فرمودند «کَلِمَاتِي ضِيعَةٌ مِنْ ضِيعَاةٍ» در واقع حکمی کلی برای هر زمینی است که شخص داشته باشد و قبلاً هم بیان شد که قدر متیقن زمین ملکی است. نکته دوم درباره عبارت

«اليوم و اليومين و الثلاثة» است که کنایه از این است که راوی می‌داند که ده روز نمی‌خواهد بماند و این وجه را که اگر مکانی باشد که قصد ده روز و بیشتر کند نمازش تمام است خارج می‌کند.

پنجم. روایت عبد الرحمن بن حجاج

متن روایت به قرار ذیل می‌باشد: «وَبِإِسْنَادِهِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ بُكَيْرٍ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ الْحَجَّاجِ قَالَ قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع الرَّجُلُ لَهُ الضَّيَاعُ بَعْضُهَا قَرِيبٌ مِنْ بَعْضٍ فَيَخْرُجُ فَيَطُوفُ فِيهَا أَيُّتَمُّ أَمْ يَقْصُرُ قَالَ يُتَمُّ» (شیخ حر عاملی، ۱۴۰۹ ق).

این روایت را مرحوم شیخ طوسی نقل کرده است. روات این روایت مشکلی ندارند. طریق شیخ طوسی در مشیخه به احمد بن محمد تمام است و فرقی هم ندارد ابن یحیی العطار باشد یا ابن عیسی باشد. بنابراین این روایت از نظر سندی مشکلی ندارد.

اما از نظر دلالی باید توجه داشت که کتاب الکافی «یقیم فیها» دارد ولی در کتاب‌های دیگر «یطوف فیها» دارد. مرحوم فیض کاشانی (۱۴۰۶ق) قائل است نسخه «یطوف» بهتر از «یقیم» است، «یطوف فیها» یعنی «یطوف فی ضیاعها». به هر حال باید به بررسی دلالت روایت بنابر هر دو نسخه پرداخته شود:

اول. بر اساس نسخه یقیم، «یخرج بالخروج السفری من الوطن و یقیم عشره فی مجموع الضیاع القریبه» این طور معنا می‌شود که راوی شبهه داشته که آیا در چند مکان قریب به همدیگر قصد عشره ممکن است؟ که از جواب امام علیه السلام مستفاده است که قصد عشره در امکنه قریبه ممکن است، چون حضرت حکم به اتمام فرمود. طبق این احتمال از اول قصد عشره در چند ضیاع را دارد.

دوم. بر اساس نسخه یطوف، «یخرج بالخروج السفری من الوطن و یدخل فی ملکہ (له ضیاع)»، نماز در ملک تمام است یا نه؟ بحث سر یقیم نیست اینجا بحث در یطوف است لذا سوال راوی این است که فرض تقرّب ضیاع چه نکته‌ای دارد؟ اگر این طور معنا شود در این صورت فرض راوی بی‌وجه می‌شود، فرض راوی «بعضها قریب من بعض» بود.

سوم. «یخرج بخروج غیر السفری» با این فرض بوده است که زمینها در حومه وطن بوده است. البته این قول این اشکال را دارد که با «بعضها قریب من بعض» سازگار نیست چون اگر کمتر از مسافت شرعی باشد خیلی فرقی ندارد که قریب هم باشند یا نباشند. بنابراین نسخه «یقیم» مناسب‌تر است.

بحث و نتیجه‌گیری

تا اینجا ادله‌ی موجود در مساله مورد بررسی قرار گرفت و این حاصل شد که نماز در ملک برای کسی که از وطنش مسافرت کرده و به ملکش رسیده است فی الجمله تمام است به روایات تام السند و الدلاله. روزه هم حکم نماز را دارد، بخاطر روایت نخله واحده که در روایت آمده بود «و لیصم اذا حضره الصوم» و ثانیاً قاعده این است هر جا نماز تمام است روزه هم صحیح است، البته اگر بپذیریم که چنین قاعده‌ای وجود دارد. در مورد اینکه ملک باید سابق بر ورود باشد یا مقارن و لاحق هم کافی است، ظهور همه روایات در سبق ملک است. علتی هم در روایات وجود ندارد که تعمیم به سایر ملک‌ها داده شود. مورد روایات مربوط به ملک اعم از منقول و غیر منقول نیست بلکه صرفاً ملک غیر منقول را بیان می‌دارد. محقق خوئی قائل است ما به تتبع رسیدیم به اینکه هر جا نماز از قصر منقلب به تمام می‌شود قاطع سفر است. این قاعده از این چند روایت که مربوط به ملک بود استفاده نمی‌شود و این روایات از این جهت ساکنند. اما اینکه محل اقامت در یک ملک باشد یا املاک متعدد نزدیک به هم را هم شامل است روایات مذکور اطلاق دارند که نماز در ملک تمام است چه یک ملک باشد و چه چند ملک باشد. در مورد اینکه فعلیت در ملکیت لازم است یا

ملک سابق را که الان فعلی نیست شامل می‌شود، ظهور عناوین در فعلیت است، بنابراین ملک سابق را که الان فعلی نیست شامل نمی‌شود.

در مورد اینکه تمامیت نماز فقط در ملک است یا در مجاور آن هم تمام است، این نکته شایان توجه است که روایتی که می‌فرماید: «و اذا كنت في غير ارضك فقصر» تعارض دارد با روایت نخله چون در روایت نخله ارضی نداشت فقط یک نخله داشت که حضرت فرمود تمام بخواند با اینکه ارض خودش نیست هر چند نخله از خودش است. اگر کسی قائل شد که اکثر روایات مذکور دلالت دارد که این بود که در ملک خودش نماز را تمام بخواند، سواء اینکه ابتدا وارد ملک غیر شود بعد به ملک خودش بیاید به هر حال در ملک خودش نمازش تمام شود.

مشکل روایت نخله است، که اگر این طور توجیه شود که اینکه حضرت نخله را فرمودند در مقام بیان ادنی ملک هستند که اگر کسی قائل به این مطلب شود در واقع قائل شده است که روایت نخله نمی‌تواند مجاورت را ثابت کند.

مطلب دوم اینکه به فرض اینکه خواندن نماز در فرض نزول ملک درست است منتهی نزول کل شیء بحسبه، نزول در منزل به این است که وارد منزل شود، در نخله عقلاً این متصور نیست، نزول به نخله یعنی نزول به کنار نخله، به تناسب حکم و موضوع، وقتی شخصی به کنار نخله رفت گویند بر درختش وارد شد. در قرآن کریم در سوره قصص آیه ۲۳ آمده است: «لما ورد ماء مدین»، معنایش این نیست که داخل آب رفته است بلکه کنار آن چشمه رفت، در اینجا نیز مراد از نزول به نخله هم یعنی نزول به کنار نخله، لذا این روایت نمی‌تواند برای ما توسعه درست کند، بنابراین در جاهایی که نزول ممکن است باید داخل آن شود ولی در نخله که نزول ممکن نیست باید کنار نخله برود، بنابراین تعبیر کنایی است. اگر در جایی نزول در خود شیء قابل توجیه نبود این بدین معنا نیست که از تمام روایاتی که ظهور داشت در اینکه در خودش نماز خوانده شود دست برداشته شود، در نخله، نزول امری عرفی است که به معنای این است که به کنار نخله برود و نماز بخواند. بنابراین تعارض روایت نخله با سایر روایات این باب حل شد و نتیجه این شد که فقط در ملک خودش نماز تمام است و ورود به زمین و ملک غیر خودش نماز قصر است.

بررسی روایات معارض

حال باید به بررسی روایات معارض پرداخته شود، عمده روایاتی که با روایات محل بحث معارض است روایات باب وطن است که در بین این روایات، روایاتی وجود دارد که اکثر آنها صحیح السند است. در اینجا به نقل چند روایت از این روایات بسنده می‌شود:

اول. روایت علی بن یقطين

مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ الْحُسَيْنِ بِإِسْنَادِهِ عَنْ عَلِيٍّ بْنِ يَقِطِينَ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ الْأَوَّلِ ع أَنَّهُ قَالَ: كُلُّ مَنْزِلٍ مِنْ مَنَازِلِكَ لَا تَسْتَوِطُنُهُ فَعَلَيْكَ فِيهِ التَّقْصِيرُ (شیخ حر عاملی، ۱۴۰۹ق).

از نظر دلالتی منطوق این روایت معارض روایات ملک است که مضمونش «کُلَّ مَنْزِلٍ لَا تَسْتَوِطُنُهُ» بود، مفهوم وصف این روایت بیان می‌دارد که «کُلَّ مَنْزِلٍ لَا تَسْتَوِطُنُهُ فَعَلَيْكَ فِيهِ التَّمَامُ». رابطه بین روایت و روایت بحث ملک عموم و خصوص مطلق است، اینجا قید می‌زند به ملکی که وطن باشد و جمع عرفی می‌شود با روایات ملک، ولی اگر منزل را اعم از ملک و اجاره و اینجا بگیریم رابطه با روایات ملک عموم و خصوص من وجه می‌شود در این صورت نمی‌شود تخصیص زد و باید دنبال مرجح بود.

دوم. مرسله ابن بکیر

وَبِإِسْنَادِهِ عَنْ عَلِيٍّ بْنِ الْحَسَنِ بْنِ فَضَّالٍ عَنْ مُحَمَّدٍ وَأَحْمَدَ ابْنَيْ الْحَسَنِ أَخَوَيْهِ عَنْ أَبِيهِمَا عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ بُكَيْرٍ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِنَا عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع فِي الرَّجُلِ يَخْرُجُ مِنْ مَنْزِلِهِ يُرِيدُ مَنْزِلًا لَهُ آخَرَ أَوْ ضَيْعَةً لَهُ أُخْرَى قَالَ إِنْ كَانَ بَيْنَهُ وَبَيْنَ مَنْزِلِهِ أَوْ ضَيْعَتِهِ أَلْتِي يَوْمٌ بَرِيدَانِ قَصَرَ وَ إِنْ كَانَ دُونَ ذَلِكَ أَتَمَّ (شیخ حر عاملی، ۱۴۰۹ق).

از نظر سندی «عن بعض اصحابنا» روایت را مرسله کرده است. از نظر دلالتی «یوم» به معنی یقصدان، بریدان به معنی هشت فرسخ است. روایت صراحت دارد در اینکه اگر مسافر است و هشت فرسخ بیشتر است اگر در ملکش هم وارد شود قصر است. «منزله یزید منزلاً له آخر» این را می‌فهماند که فقط مسافرت بین راه مرادش نیست بلکه اعم از آن مراد است و شامل ملکش هم می‌شود. البته اشکال می‌شود که روایت در مقام بیان قاطع‌ها نیست بلکه در مقام بیان وسط راه است.

سوم. روایت دیگر از علی بن یقطين

وَبِإِسْنَادِهِ عَنْ سَعْدِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ ابْنِ أَبِي نَصْرٍ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عُمَانَ عَنْ عَلِيِّ بْنِ يَقِطِينَ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي الْحَسَنِ الْأَوَّلِ عِ الرَّجُلُ يَتَخَذُ الْمَنْزِلَ فَيَمُرُّ بِهِ أَيْتِمٌّ أَمْ يَقْصُرُ قَالَ كُلُّ مَنْزِلٍ لَا تَسْتَوِطُنُهُ فَلَيْسَ لَكَ بِمَنْزِلٍ وَلَا يَسْ لَكَ أَنْ تُتِمَّ فِيهِ (شيخ حر عاملی، ۱۴۰۹ق).

از نظر سندی در روایات قبلی بررسی شد که تمام است. از نظر دلالتی منزل وقتی منزل می‌شود که استیطان کند، ملک چه وطن باشد چه نباشد.

محل تعارض روایات ملک با روایات وطن

روایات وطن بیان می‌دارد که استیطان اصلاً کاری به داشتن ملک یا نداشتن ندارد و چه ملک باشد چه نباشد استیطان ممکن است، فقط تعارض جایی است که ملک باشد ولی وطن نباشد، بدین معنا که از نظر حکمی، اگر جایی ملک باشد روایات ملک گوید نماز تمام است ولی روایات وطن گوید چون وطن او نیست نمازش قصر است لذا در اینجا تعارض می‌کنند.

حل تعارض

برای حل تعارض باید به مرجحات مراجعه کرد که عمده مرجحات مطابقت کتاب و مخالفت عامه است.

در مورد موافقت کتاب در سوره نساء آیه ۱۰۱ آمده است که «إذا ضربتم فی الارض فلیس علیکم جناح ان تقصروا من الصلاه» این آیه بیان می‌فرماید که وقتی شخصی مسافر است نمازش قصر است، کسی که سفری را شروع کرده و وسط راه به ملکش می‌رسد مسافر است پس نمازش قصر است، بنابراین موافقت کتاب به این است که نماز در ملک قصر باشد. در مورد مخالفت عامه فتوایی از عامه پیدا نشد که قائل باشند در ملک نماز تمام است بلکه از بعضی از کتب اهل سنت به عکس آن مستفاد است که اگر ملک باشد کافی نیست، لذا حمل بر تقیه درست نیست. در استفتائات جدید هم که از اهل سنت می‌کنند ملک تنها را کافی نمی‌دانند. اگر اعراض مشهور را به عنوان یک مرجح کافی بدانیم و در اینجا مشهور از روایات ملک اعراض کردند و به روایات استیطان عمل کردند.

اگر تعارض به هیچ نحوی حل نشد و به تعادل رسیدیم، هر دو طرف با هم تساقط می‌کنند در اینجا اگر عام فوقانی وجود داشت به آن رجوع می‌شود و اگر عام فوقانی وجود نداشت هر دو طرف تساقط می‌کنند. به عبارت دیگر در جایی که مرجح وجود نداشت و عام فوقانی هم نبود باید دید روایات تخیر فی المتعارضین تمام است یا خیر؟ شش یا هفت روایت در باب تخیر متعارضین وجود دارد که اگر قبول شوند یکی از دو طرف توسط مجتهد اخذ می‌شود و فتوا می‌دهد، در این بحث یا روایات ملک اخذ می‌شود و یا روایات وطن و فتوا داده می‌شود. باید به این نکته توجه داشت که این تخیر برای مجتهد و برای فتوا دادن است و برای مقلد که می‌خواهد عمل کند نیست، به عبارت دیگر تخیر اصولی است نه تخیر فقهی، تخیر برای فتوا دادن است نه برای عمل کردن.

اگر روایات باب تخییر را قبول شد کما اینکه مشهور قبول کردند که روایات باب تخییر می‌تواند تخییر را اثبات کند در این صورت قائل به تخییر به قصر یا تمام در ملک خواهیم شد ولی اگر روایات پذیرفته نشده کما اینکه محقق خوئی قبول ندارد و می‌فرماید روایاتی که سند دارد دلالت ندارد و روایاتی که دلالت دارد سند ندارد، در این صورت باید در مرحله بعدی از اصول عملیه استفاده کرد.

در اینجا فرض بر این است که علم اجمالی وجود دارد بر اینکه در این ملکی که مکلف وارد شد و وطنش هم نیست یا تمام بر وی واجب است یا قصر، علم اجمالی گوید مکلف باید احتیاط کند، چون دوران بین قصر و تمام با دوران بین اقل و اکثر در نماز با سوره و بدون سوره متفاوت است، و تفاوت در این است که در قصر و تمام اقل به شرط لا و اکثر به شرط شیء است که اینها به متباینین برمی‌گردند که وظیفه احتیاط است ولی در مثل سوره و نماز و نه جزء و ده جزء اگر اقل باشد لا بشرط است که اگر سوره را هم بخواند لطمه‌ای به نماز نمی‌زند، لا بشرط با بشرط شیء تباینی ندارد چون لا بشرط یجتمع مع الف شرط. بنابراین اینجا اگر ما باشیم و علم اجمالی باید احتیاط کنیم و در ملکی که قصر نیست یک نماز قصر و یک نماز کامل بخوانیم.

حال اگر در علم اجمالی یک طرف اصل بلامعارض وجود داشته باشد و طرف دیگر وجود نداشته باشد بنابر مبنای تحقیق که همان مبنای اقتضاء است علم اجمالی منحل می‌شود. در اینجا می‌خواهم یک نماز قصر بخوانم و یک نماز تمام بخوانم، قبل از ورود به این ملک مسافر بودم لذا استصحاب است قبلاً مسافر بودم شک می‌کنم که با رسیدن به ملک نمازم تمام شد یا هنوز قصر است، این استصحاب وجوب قصر آن علم اجمالی بین قصر و تمام را منحل می‌کند و به مقتضای استصحاب وظیفه‌ام قصر می‌شود و آن طرف هم شک بدوی می‌شود.

اینجا این سوال مطرح می‌شود که یک عمومات و اطلاقاتی وجود دارد به نام اطلاقات تمام که بیان می‌دارد که وظیفه اولیه مصلی نماز تمام است، اینجا استصحاب جاری کردید که می‌افتد در صغرای تمسک به حکم خاص

که استصحاب است آیا باید به این استصحاب عمل کرد یا به حکم عام که آن عمومات است؟ و واضح است که آن ادله تمام یعنی عمومات، ادله اجتهادی است و استصحاب اصل عملی است، و با وجود ادله اجتهادی اصلاً نوبت به اصل عملی نمی‌رسد لذا عمومات اصلاً نمی‌گذارد استصحاب جاری شود، بنابراین اگر دلیل اجتهادی را مقدم کند نماز در ملک تمام خواهد بود. یا ممکن است کسی قائل شود اصلاً این استصحاب اشکال دارد، کما اینکه محقق خوئی قائل است استصحاب در اینجا جاری نمی‌شود چون معارض دارد، استصحاب بقای مجعول معارض است با استصحاب عدم جعل حرمت ازید از زمان متیقن، محقق خوئی قائل است در تمام مسائل این تعارض است. در اینجا بر مسافر وجوب قصر است وارد ملک شد استصحاب مجعول وجوب قصر می‌کند، از طرف دیگر شک دارد که این جعل قصر فقط مربوط به قبل از ورود بود یا برای ازید هم است استصحاب عدم جعل قصر ازید از زمان متیقن می‌کند که استصحاب‌ها تعارض می‌کنند و تساقط می‌کنند، اصل براءت هم جاری نمی‌شود چون براءت از وجوب قصر با براءت از وجوب تمام معارض است ولی علم اجمالی باقی می‌ماند و باید احتیاط کند. اگر کسی نظر محقق خوئی را نپذیرفت که ما هم نپذیرفتیم و فرمایش ایشان درست نیست نتیجه این می‌شود که آن مبنای اطلاق تمام را نپذیرفتیم استصحاب وجوب قصر باقی می‌ماند.

جمع‌بندی

این پژوهش به دنبال پاسخ به این سوال اساسی بود که حکم شرعی نماز از حیث قصر و تمام در ملک دور از وطن چیست. بدین منظور لازم بود مطالب به صورت اجتهادی مورد بحث و تجزیه و تحلیل قرار گیرد. لذا با استفاده از روش اجتهاد دانش دینی ادله‌ی مساله از حیث سندی و دلالی به دقت مورد بررسی قرار گرفت، سپس یافته‌های این ادله بعد از تجزیه و تحلیل جمع‌بندی شد. سپس به فحص و جستجو در مورد وجود ادله‌ای از آیات

و روایات که معارض این ادله باشند پرداخته شد، و بعد سعی شد معارضه بین این ادله رفع شود، و در صورت حل نشدن تعارض و باقی ماندن تعادل، راه کارهای لازم جهت رسیدن به فتوا مطرح شد.

با توجه به مورد ابتلا بودن این مساله خصوصاً افرادی که دارای ملکی در شهر دیگری هستند یا دارای زمین کشاورزی در مناطق دور دست هستند، حل این مساله و روشن شدن حکم فقهی آن اهمیت بسزایی دارد.

جمع بندی نهایی در این مساله این شد که اگر شخصی از وطنش دور شده و از حد مسافت شرعی هم بگذرد و وارد ملکش شود، با نگاه ابتدایی از روایات باب ممکن است استفاده وجوب تمام خواندن نماز در چنین ملکی استفاده شود اما با توجه به ادله‌ی مطرح شده در این پژوهش و حل تعارض آنها این نتیجه حاصل شد که چنین شخصی واجب است که در ملکش نمازش را قصر بخواند.

منابع

ابن بابویه، محمد بن علی، **من لا یحضره الفقیه**، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به حوزه علمیه قم، ۴ جلد، ۱۴۱۳ ق، قم المقدسه.

ابن جنید اسکافی، محمد بن احمد، **مجموعه فتاوی ابن الجنید**، جماعة المدرسين فی الحوزة العلمیة بقم مؤسسه النشر الإسلامی، ۱۴۱۶ق، قم المقدسه.

بخشی نژاد، ولی الله و سبزواری، رحمانی، **مقاله ضابطه زمانی یا مکانی قصر نماز مسافر از دیدگاه صاحب جواهر (ره)**، شمس الشمس، پاییز و زمستان ۱۴۰۲، سال سوم، شماره ۳ (۱۶ صفحه - از ۵ تا ۱۰).

بروجردی، حسین، **تبیان الصلاه**، گنج عرفان، ۸ جلد، چاپ اول، ۱۴۲۶ ق، قم المقدسه.

بهمن پور، عبدالله و زکی خانی، نجمه، مقاله واکاوی ماهیت فقهی نماز مسافر، آموزه‌های فقه عبادی، بهار و تابستان ۱۴۰۰، شماره ۲ (۲۴ صفحه - از ۳۱ تا ۵۴).

جزایری، محمدجعفر، منتهی الدرایه فی توضیح الکفایه، دارالکتب، چاپ چهارم، ۱۴۱۵ ق، قم المقدسه.

خوئی، سید ابوالقاسم، معجم رجال الحدیث و تفصیل طبقات الرواه، بی‌نا، چاپ پنجم، ۱۳۷۲ ش. بی‌جا.

زاهدی، فاطمه و فاکر میبدی، محمد، تحلیل تطبیقی نماز مسافر از منظر اخباریون و قرآنیون، مطالعات تطبیقی قرآن و حدیث، بهار و تابستان ۱۴۰۱، شماره ۱۸ (۳۰ صفحه، از ۱۱۳ تا ۱۴۲).

شیرازی زنجانی، موسی، کتاب نکاح، رای پرداز، ۲۵ جلد، چاپ اول، ق، ۱۳۸۳، قم المقدسه.

شیخ حر عاملی، محمد بن حسن، تفصیل وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه، موسسه آل البيت (علیهم السلام)، ۳۰ جلد، ۱۴۰۹ ق، قم المقدسه.

صاحب جواهر، محمدحسن بن باقر، جواهر الکلام، موسسه دائر المعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل بیت (علیهم السلام)، چاپ اول، ۱۴۲۱ ق، قم المقدسه.

المامقانی، عبدالله، تنقیح المقال فی علم الرجال، موسسه آل البيت علیهم السلام احیاء تراث، ۴۲ جلد، ۱۳۸۱، قم المقدسه.

طوسی، محمد بن حسن، فهرست کتب الشیعه و اصولهم و اسماء المصنفین و اصحاب الاصول، مکتبه المحقق الطباطبائی، چاپ اول، ۱۴۲۰ ق، قم المقدسه.

عابدی اردکانی، داود، نماز و روزه کثیر السفر با سرعت غیر متعارف، پژوهش‌های فقهی تا اجتهاد، پاییز و زمستان

۱۳۹۷، شماره ۴ (۱۶ صفحه - از ۱۰۱ تا ۱۱۶).

فیض کاشانی، محمد بن شاه مرتضی، الوافی، مکتبۃ الإمام أمير المؤمنين علی (علیه السلام) العامه، ۲۶ جلد، چاپ

اول، ۱۴۰۶ق، اصفهان.

نجاشی، احمد بن علی، رجال النجاشی، جامعه المدرسين فی الحوزة العلمیه بقم، موسسه النشر الاسلامی، چاپ

اول، ۱۳۶۵، قم المقدسه.